



هرمزد اردشیر نخستین شاهنشاه اورمزدنام

پدیدآورده (ها) : کاویانی پویا، حمید

تاریخ :: نامه ایران باستان :: بهار و تابستان 1389 - شماره 19 و 20
از 77 تا 88

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1356620>

دانلود شده توسط : محمد علی دوبرحای

تاریخ دانلود : 13/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

هرمزد اردشیر نخستین شاهنشاه اورمزدنام

حمید کاویانی پویا
دانشگاه شهید باهنر کرمان

دولت شاهنشاهی اردشیر اول ساسانی در پناه لشکری آراسته و نیرومند، در سلسله محارباتی که بنیانگذار این سلسله با دشمنان داشت وسعت یافت. اردشیر بابکان با کمک فرزندش، شاپور اول، که در زمان حیات خویش وی را در سلطنت با خود شریک کرد، تا حدود بسیاری میراث پارتیان را نصیب خویش ساخت. پس از او قلمرو و تشکیلات اشکانی با تغییر و تحولاتی عمده که از آغاز سلسله ساسانی در حال شکل‌گیری بود، همچون ایجاد دولت مرکزی و زدودن ملوک‌الطوایفی، به شاپور اول تعلق یافت. شاپور در نتیجه زدوخوردهایی که با قدرتهای شرق و غرب داشت به همدستی فرزند خویش، هرمزد اردشیر، به فتوحاتی بزرگ نائل گشت. او در زمینه داخلی نیز دست به اقدامات مهمی زد و مانی پیامبر را برای تبلیغ دین خویش آزاد گذارد و تاحدودی نیز او را یاری داد.

هرمزد اردشیر که در منابع با لقب «دلیر/NEW» نمایانده گشت و در دوره پدر و در نبردهایش با مدعیان نیز از خود نامی باقی گذارد، پس از شاپور به سلطنت رسید. وی نخستین پادشاهی بود که نام خدای بزرگ زرتشتیان، هرمزد/اورمزد، را بر خود داشت. در واقع شاپور با این نامگذاری هم بر مذهب مورد حمایت خویش — با وجود تسامح در برخورد با دیگر ادیان — و هم بر ولایتعهدی پسر خویش تأکید نمود. هرمزد اردشیر بر خلاف نام مذهبی‌اش که جانبداری و حمایت از دین واحد زرتشتی در سرزمین ساسانی را می‌طلبید، بسیار در برخورد با دیگر فرق و مذاهب متسامح بود، به گونه‌ای که مانی

را در دربار خویش پذیرفته و وی را در دین‌گستری خویش یاری داد و همچنین روحانی متعصب دین مزدیسنی، کرتیر، را نیز با دادن القاب و عناوین جاه داد. با وجود این‌که در مورد کهنتر یا مهتر بودن هرمزد اردشیر از دیگر پسران شاپور اول نمی‌توان به قطعیت سخن راند، اما این فرزند دلیر شاپور اول با توجه به دلیریهای خود در جنگهای پدر با خصم توانست به تخت سلطنت نوپای دولت ساسانی تکیه کند و بدون اغتشاش و اعتراض به جانشینی پدرش، نامی معتبر و مهم در منابع دوره ساسانی از خود بر جای گذارد و امور مهمی را در تاریخ دولت ساسانی به نام خود ثبت کند.

اشکانیان در نتیجه شکست هرمزدگان در سال ۲۲۴م. از صحنه تاریخ ایران خارج شدند و ساسانیان، به سرکردگی اردشیر پاکان، سلسله‌ای را تأسیس کردند که چهارصد و اندی سال بر ایران‌زمین حکم راند. سرانجام با شکست از اعراب، تاریخ ایران باستان به پایان آمد و دوره‌ای جدید به نام تاریخ ایران اسلامی با حکومتی که مشروعیت خود را از خلفای دینی کسب می‌کردند، در ایران‌شهر آغاز گردید. اردشیر پاکان که مؤسس آخرین سلسله تاریخ باستان ایران بود، با برخاستن از همان دیاری که هخامنشیان، اولین سلسله پارسی، بنا نهاده بودند، با رنگ و لعاب مذهبی و از معبدی دینی حرکت خویش را آغاز نمود و با همراهی فرزندش، شاپور، توانست تقریباً بر تمامی قلمرو اشکانیان مسلط گردد. اردشیر از طرف شاپور اول، صاحب نوادگانی گشت که این نوادگان با نامهای مذهبی خویش بیشتر هویت مذهبی سلسله ساسانی را آشکار ساختند و البته با حکومتی کوتاه خویش — از ۲۷۲م. تا ۳۰۲م. — باعث ایجاد چنان تیرگی و ابهامی در تاریخ ایران شدند که محققان را در مورد مشروعیت یا غصبی بودن سلطنت برخی از آنها با مشکلات و فرضیات متفاوتی روبه‌رو کرد، به طوری که هنوز درباره جانشین قانونی شاپور یکم و چرایی انتخاب هرمزد اول به عنوان ولیعهد شاپور، جای بحث و بررسیهایی در پژوهشهای تاریخ ایران باستان موجود است.

در این مقاله سعی کرده‌ایم با طرح موضوع جانشینی هرمزد یکم به جای پدر، و به‌ویژه نامگذاری او با عنوان خدای بزرگ زرتشتیان، نشان دهیم که اولاً نام هرمزد پیش از این حداقل در روزگار اشکانیان بر برخی افراد عامی، و نه شاهان و شاهنشاهان، اطلاق شده بوده، افزون بر اینکه ما پیش از دوران ساسانی از این نام بر روی اماکن نیز نشانی می‌یابیم و ثانیاً با بررسی شواهد و مدارک موجود این فرضیه را طرح کنیم که هرمزد اردشیر را باید نخستین «شاهنشاهی» تلقی نمود که نامی این‌چنینی داشته و در مدت کوتاهی پس از وی این نام بر شاهان و شاهزادگان ساسانی نیز اطلاق شده است.

واژه «هرمزد» علاوه بر نام خدای بزرگ زرتشتیان، در نجوم نام ستاره مشتری و در گاهنما اولین روز ماه است. این نام از دو واژه «اهورا»^۱ به معنی «مولا، خداوندگار، سرور» و «مزد»/mazd که

۱. از ریشه ah به معنی «بودن» است که در سنسکریت asura- /«دیو» و در هندواروپایی آغازین به صورت

*esuro- آمده است. نک: Kuiper, B.J.: 684.

محققان معانی مختلفی برای آن قائل شده‌اند و حتی برخی آن را «مзда»/mazdā و برخی «مزده»/mazdāh می‌دانند و در جایگاه قید «دانایی» و در نقش صفت «دانا» معنا می‌نمایند^۲، تشکیل شده است.

اگر به سابقه کاربرد این نام بر روی اشخاص و افراد در تاریخ اساطیری و دینی ایران باستان بنگریم، ترکیبی از این واژه را نخستین بار در نام «گوهرمز» (عربی = جوهرمز) فردی از تورانیان می‌بینیم که «به همراهی برادرش خرزاسف که سردار لشکریان ویدرفش جادوگر در جنگ با بشتاسب می‌باشد به ایران لشکر کشیده و دهکده‌ها و شهرها را ویران می‌سازد و آشکده‌ها را تخریب و دو دختر بشتاسب را به اسارت می‌برد»^۳. اما اینکه این نام هم‌معنی و مترادف هرمزد خدای زرتشتیان بوده باشد، بعید می‌نماید؛ زیرا جنگ تورانیان با بشتاسب به دلیل مخالفت با دین زرتشتی انجام گرفته و نام هرمزد بر فردی غیر زرتشتی که مخالف دین زرتشت نیز بود صحیح نیست. بنابراین هرچند این نام ربطی به هرمزد ندارد، اما، چون این روایت متعلق به دوره ساسانی است اسامی رایج در دوره ساسانی برای نامیدن افراد مطرح در متون دینی ایشان، که در همان زمان در دست نگارش بوده، محتمل می‌نماید. اما در دوره تاریخی که شامل حکومت مادها و هخامنشیان، نخستین شاهنشاهی‌های ایرانی، است از این نام بر افراد نشانی نمی‌بینیم. مورخان دوره اسلامی در بازگویی دوره اشکانی، نام هرمزد را در فهرست شاهان پارتی می‌آورند^۴. در واقع این مورخان با آوردن نام شاهان ساسانی و منتسب دانستن این اسامی بر نام شاهان پارتی، که از آنها بی‌خبر بوده‌اند، به خطا افتاده‌اند. ذکر نام هرمزد در بین شاهان پارتی نمی‌تواند صحیح باشد. در گزارشهای مورخان رومی و ارمنی نیز نامی از هرمزد در بین شاهان اشکانی دیده نمی‌شود. اما از همین دوره بر روی الواح و سفالهای به دست آمده از نسا که گستره‌ای زمانی بین ۱۰۰ پ.م. و ۱۳ پ.م. را دربرمی‌گیرد، و به منزله بایگانی اسناد ثبتی به شمار می‌رود، به نام اهرمزدیک/hwrmzdyk^۵ و هومزدیک/hwmzdyk^۶ در بین اسامی به کاررفته بر روی این الواح برمی‌خوریم؛ با توجه به این‌که بیشتر نامهای آمده در این قطعات سفالین مشخصات زرتشتی دارند، همانند ارته وهشتک، اسپندار ماتک، دین مزدک و فرنباگ^۷، می‌توان گفت این نام نیز به فردی زرتشتی تعلق داشته است. با

2. M. Boyce, "AHURA MAZDA": 685.

۳. طبری ۱۳۵۲: ۴۸۰؛ الطبری، الجزء الثانی، مطبع بیروت: ۶۷۷.

۴. نک: ابن اثیر ۱۳۶۸: ۱۲۸؛ ثعالبی ۱۳۶۸: ۱۹۶؛ فردوسی ۱۳۷۳. از ۹ نفری که فردوسی ذکر کرده فقط پنج نفرشان با تاریخ واقعی اشکانیان مطابقت دارند: اشک، گودرز، آرش (که اشک است)، اردوان و اردوان بزرگ. باقی یا شاه نبوده‌اند (بیژن) و یا از دوره ساسانی به این دوره انتقال یافته‌اند (شاپور، هرمز، ترسی). نک: پیرنیا ۱۳۸۰: ۲۲۲۶.

۵. دیاکونف ۱۳۸۳: ۸۳-۹۲.

۶. مشکور ۱۳۶۷: ۱۴۹.

این همه در دوره اشکانیان در بین نام شاهنشاهان پارتی هیچ گاه به نام «اورمزد/ هرمزد» بر نمی خوریم و به جرأت می توان گفت که نام هرمزد تا عصر ساسانیان به هیچ یک از «شاهنشاهان» ایرانی اطلاق نمی شده است. هر چند در دوره اشکانیان اسامی مذهبی را بر روی امکن و مناطق می بینیم، مثلاً نبرد سرنوشت ساز بین اردوان پارتی و اردشیر بابکان در «دشت هرمزدگان»^۷ اتفاق افتاد.

حال به این نامگذاری که بنیانگذاران سلسله ساسانی در آغاز آن را انتخاب کردند^۸، می پردازیم: با شکست پارتیان و روی کار آمدن ساسانیان در ۲۲۴م. شاپور اول که مدتی نیز با پدرش اردشیر سلطنت را بر عهده داشت، فرزند خود را «هرمزد» نام نهاد. نامی که نخستین بار بر شاهزاده ای اطلاق می گشت که قرار بود شاهنشاه ایران و انیران باشد. گویا بنیانگذاران سلسله ساسانی، اردشیر و شاپور یکم، با این گونه نام نهادن ولیعهد آینده، قصد داشتند علاوه بر این که، برخلاف پارتیان بر دین خاصی تأکید ورزند و خود را حامی آن نشان دهند و بدین گونه سیاست دینی خود را مشخص سازند (البته ساسانیان نخستین تا دست کم اواخر سلطنت بهرام اول با ادیان دیگر تسامح داشتند)، به نوعی خود و فرزندان خود را خدایان زمین خاکی در مقابل خدایان افلاکی نشان دهند و از این روست که اردشیر در نقش تاجگذاری خود در نقش رستم (ANRM-a)، که اردوان پارتی را زیر پای اسب خود دارد، رودروی اهورامزدا، که او نیز اهریمن را زیر پای اسب خود دارد و حلقه شاهی را به اردشیر می دهد، قرار می گیرد. این نخستین بار در تاریخ ایران است که خداوند هم شانه و هم گام با انسان در نگاره ها تصویر می گردد (مقایسه شود با کتیبه داریوش در بیستون که خداوند در بالای سر داریوش قرار گرفته و حلقه شاهی را به شاه می دهد). بعد از این در نگاره های ساسانیان خداوند (اورمزد) سوار بر اسب یا پیاده مقابل شاهان ساسانی، در حالی که فره شاهی را به ایشان اعطا می کند، نشان داده می شود.^۹ با آوردن این نگاره ها شاهان ساسانی حکومت و خداوندی زمین (به طور مثال

۷. نولدکه در این مورد می نویسد: شاید بهتر بود به جای هرمزدگان، «هرمزدجان» بنویسیم. این نام را طبری و دینوری با دال و فتحه نوشته اند، متأسفانه محل امروزی این موضع که جنگ قطعی و نهایی در آن روی داده بود معلوم نیست (نولدکه ۱۳۷۸: ۴۴).

۸. قابل ذکر است که در دوره ساسانی نام هرمزد آفرید را می شنویم که از حکیمان روزگار اردشیر بابکان بوده است (مجموعه/تواریخ ۱۳۷۸: ۹۴) اما این نام به تنهایی نام خدای زرتشتیان را شامل نمی گردد بلکه به معنای آفریده هرمزد (مخلوق خداوند) است که در دوره های بعدی و حتی تاکنون از این نامها در بین ایرانیان، همچون خداداد، و در بین اسامی تازیان عبدالله، بسیار دیده می شود.

۹. نگاره شاپور اول در نقش رستم که وی را در حال غلبه بر والریان نشان می دهد (SNRM). نک: عریان، ۱۳۷۸. نرسی نیز در نگاره تاجگذاری خود در نقش رستم پیاده در حال دریافت حلقه شاهی از خداوند — احتمالاً آناهیتا — است. کریستن سن ۱۳۷۷: ۱۵۶.

ardxšīr bay) را در مقابل فرمانروایی خداوند در آسمان (ohrmazd bay) بر خود متعلق و منتسب دانستند و حتی نام فرزندان خود را که در زمان حکمفرمایی خویش و سرنگونی پارتیان چشم به دنیا گشوده بودند با نامهای هرمز، بهرام، آذر-ناهید (دختر و همسر شاپور اول) خواندند. در واقع اردشیر بابکان و شاپور اول که خود را از تبار اردشیر دوم هخامنشی می‌خواندند،^{۱۰} همانند این شاه هخامنشی که برای خدایان خود (اهورامزدا، آناهیتا و مهر) صورتهای زمینی تصور نمود و آنها را بر نگاره‌ها نقش کرد و اهورامزدا، بزرگترین خدایان، را در ردیف دیگر خدایان آورد، علاوه بر اینکه از آتشکده آناهیتا در استخر برخاستند، نام خدایان خود هرمزد، آناهیتا و بهرام را بر فرزندان خود نهاده و زمینی ساختند.

در دوره ساسانی به شاه صفت bay (baga یا یغ فارسی باستان) داده شده و به هرمزد (اهورامزدا) صفت ایزد (yazata) که به اوستا برمی‌گردد و جمع آن یزدان می‌شود. درواقع برای ایرانیان ساسانی دو نوع خدا وجود داشته است: «نخست شاه بزرگ و پدران او، چه زنده چه مرده، به عنوان انسانهای خداگونه و در نتیجه موجوداتی مادی. دوم خدایان به معنای واقعی [کلمه] یعنی موجوداتی معنوی»^{۱۱}. بر اساس منابع عربی و بیزانسی، خسرو دوم نیز در به اثبات رساندن داعیه خود برای سلطنت در نامه به رقیب خود بهرام چوبین این‌گونه او را خطاب می‌سازد: «از خسرو، شاه شاهان، فرمانروای فرمانروایان، سرور مردم، شاهزاده صلح، رستگاری انسانها، «در میان خدایان انسانی نیک و جاودان، در میان انسانها ارزشمندترین خدا»، بسیار نامدار، پیروز، آن کس که با خورشید طلوع می‌کند و بینایی‌اش شب را فرامی‌گیرد، کسی که آوازه نیاکانش بلند است...»^{۱۲}.

البته اگر این فرضیه را بپذیریم که ساسانیان نخستین زروانی بودند،^{۱۳} می‌توان استنباط کرد که شاهان نخستین ساسانی زروان را خدای متعال خود دانسته و به همین دلیل نام اهورامزدا را که مخلوق خدای تعالی بود همانند نام دیگر خدایان (بهرام، آناهیتا و غیره)، که تمثالهای ایشان در نگاره‌ها تصویر گردید، برگزیدند و بر افراد منتسب کردند، که البته در درستی این فرضیه باید تردید نمود. افزون بر این با توجه به این‌که این نام پیشتر در کتیبه اردشیر بابکان (ANRm-a) و یا به طور مستقل در کتیبه جداگانه‌ای (ANRm-b) به عنوان خدای بزرگ ذکر شده است، به امکان صحت این فرضیه تأکید چندانی نمی‌توان کرد. تنها ویژگی منحصر به فرد در

10. Daryaei, p. 1-14.

۱۱. ویسپوفر ۱۳۷۷: ۲۰۹.

۱۲. همان: ۲۱۲.

۱۳. بویس ۱۳۸۱: ۱۴۳؛ کریستن سن، همان: ۲۱۸.

مورد این نام این است که نام هرمزد نخستین بار بر شاهی ایرانی اطلاق گشت و ساسانیان نخستین سلسله‌ای بودند که بدین کار مبادرت نمودند، که البته این موضوع می‌تواند کمک بسیاری به محققان در زمینه نگرش مذهبی ساسانیان بکند و شاید بر برخی تاریکیها در زمینه دین این سلسله پرتوی بیفکند.

سلطنت هرمزد اردشیر

هرمزد پس از مرگ پدرش شاپور در ۱۴ سپتامبر ۲۷۲ میلادی به تخت سلطنت جلوس نمود.^{۱۴} در کتیبه کعبه زرتشت نام او دو مرتبه ذکر می‌گردد: در بخش اول (بند ۱۱) از افرادی است که شاپور اول آتش معروف بهرام را به نامش و به خاطر روان و یاد هرمزد می‌نشاند (pad arawan ud pakna).^{۱۵} در جای دیگر در این کتیبه (بند ۱-۴) از وی با عنوان «پادشاه بزرگ ارمنیان» یاد می‌شود. هرمزد در روزگار پادشاهی شاپور فرمانروایی ارمنستان را بر عهده داشت.^{۱۶} ارمنستان در واقع مرکز فرماندهی نظامی کل سپاه ساسانی بود و از نظر سیاسی جایگاهی بس بزرگ داشت. هرمزد در برخی لشکرکشیهای شاپور همراه وی بود به طوری که در دومین عملیات رومی شاپور علیه سوریه، کلیکیه و کاپادوکیه بین سالهای ۲۵۳ و ۲۵۶، عملیات کاپادوکیه و فتح شهرهای کاپادوکیان، که گزارش آن در «رس گستای» (کارنامه) شاپور درج گردیده، بر عهده هرمزد قرار داشت.^{۱۷}

فعالیت‌های نظامی هرمزد تنها محدود به کاپادوکیه نبود،^{۱۸} نسخه‌های تاریخ اوگوست گزارش می‌دهند که سیریادس ابتدا اورمزد (Odomastes) و سپس شاپور (Sapores) را به داخل روم راه داد. بنابراین احتمال می‌رود که بعد از لشکرکشی به کاپادوکیا، هرمزد برای فتح آنتیوخ (انطاکیه) به

۱۴. در مورد مهتر بودن هرمزد اول از برادران دیگر خویش و مسئله جانشینی، اقوال گوناگونی وجود دارد و بحث پژوهشگران در این موضوع هنوز به نظر و اندیشه قاطعی نرسیده است. در این باره نک: دریایی ۱۳۸۳: ۲۴؛ Shayegan, R., "Hormozd I": 656.

۱۵. عریان ۱۳۸۲: ۴۷.

۱۶. در مورد حکمرانی هرمزد اول قبل از رسیدن به سلطنت (۲۷۲م). نظرات گوناگونی ذکر گردیده است؛ برخی همچون بلعمی از وی به عنوان حکمران خراسان نام برده‌اند. بنابراین، وی احتمالاً مدت کوتاهی حکمرانی خراسان را به عهده داشته است (بلعمی ۱۳۴۱: ۸۹۸؛ همچنین نک: مارکوارت ۱۳۷۳: ۵۹؛ مشکور ۲۵۳۷ (۱۳۵۷): ۳۹۸؛ رجبی ۱۳۸۲: ۱۱۸/۵).

17. Shayegan, ibid.

۱۸. در مورد همراهی هرمزد در لشکرکشی شاپور در غرب کشور گفته شده که یکی از شهرهای تسخیر شده در میان‌رودان که در سومین لشکرکشی شاپور تسخیر گردید، به نام هرمزد و پدرش نامیده شد (dhy hshtr BYDWN) و از جمله پرستشگاههایی که شاپور یکم به افتخار پیروزی خویش بنا نهاد، پرستشگاهی بود «به خاطر روان و یادبود نام» هرمزد اردشیر (لوکونین ۱۳۷۲: ۱۶۴).

پدرش پیوسته باشد.^{۱۹} در واقع به دلیل همین دلاوریها و جانبازیها در نبرد بود که گویا هرمزد اردشیر لقب "NEW" را از آن خویش نمود.^{۲۰}

با وجود فعالیتهای نخستین شاهنشاه اورمزد نام در عهد زمامداری شاپور، از پادشاهی نامبرده چیز زیادی دانسته نیست. در این باره ذکر گردیده که در روزگار سلطنت وی، مانی به درگاه او پذیرفته شد و در یک متن ناقص پارتی مانویان، هرمزد به عنوان تعظیم‌کننده به مانی نشان داده می‌شود.^{۲۱} به هر حال نیکویی هرمزد با مانویان سبب نگردید که وی توجه و الطاف خویش را از مبلغان و موبدان مزدیسنی بازگیرد، به‌گونه‌ای که این پادشاه کرتیر را نیز از سخاوت خویش بهره‌مند نمود و به وی نشان «کلاه و کمر بند» و عنوان موبد اورمزد را اعطا کرد. بنابراین در هر دو سو نیز با نیک‌نامی خود را نمایاند و نزد مانویان و مزدیسنان به عنوان شاه نیک و دلیر (new) از خود نامی بر جای گذاشت. فردوسی در مورد اوضاع دوران وی می‌نویسد:

ز شاهی بر او هیچ تاوان نبود از آن بد که عهدش فراوان نبود
چو بنشست شاه اورمزد بزرگ به آبخور آمد همی میش و گرگ^{۲۲}

گویا سرانیده شاهنامه در اینجا غیرمستقیم به همراه بودن کرتیر و مانی در درگاه هرمزد و زندگی مسالمت‌آمیز آنها و بهره‌مند گشتن از لطف و عطایای هرمزد اشاره می‌کند.

اما در مورد امور و اقدامات انجام‌یافته در طول سلطنت هرمزد، تقریباً همه منابع فارسی و عربی از آبادانی و آرامش در دوره زندگی وی یاد می‌کنند. به گفته بیرونی «گویند کسی که دو نوروژ (نخستین روز و ششمین روز فروردین) را به هم متصل کرد، هرمزد پسر شاپور پهلوان بود که او روزهایی را که میان این دو عید بود جشن گرفت و آتش را برای تیمن به آن جاهای بلند قرار داد... وی نوروژ و مهرگان را به هم پیوست چنانکه میان دو نوروژ را به هم پیوست»^{۲۳} بیرونی در جایی

19. Shayegan, ibid.

۲۰. در متون قبطی هرمزد اول را «شاه نیک» می‌نامیدند (Shayegan: 656) و در نوشته‌های پهلوی لقب این پادشاه «نیو / NEW» ذکر شده است. چنانکه در کتاب *شهرستانهای ایران* واژه نیو در فارسی میانه در دو معنی «نیک و دلیر» به کار رفته و به صورت لقب هرمزد اول، معنی دوم منظور بوده است (نک. جاماسب جی دستور: ۲۶). بیرونی و دیگر مورخان اسلامی لقب این شاه را «جری»، «بطل»، «دلیر»، «مردانه»، یا «دلاور سخت‌زور» ذکر کرده‌اند. از این رو مانویان که نیکی و احسان را تقوای شریف‌تر از شجاعت و دلیری می‌انگاشتند، نیو را به معنی نیک گرفته‌اند و همین معنی را به سریانی و قبطی ترجمه کرده‌اند (نک. سرکاریانی ۱۳۷۸: ۱۹۵؛ مسعودی ۱۳۷۴: ۲۴۵/۱؛ بیرونی ۱۳۵۲: ۲۶۷-۲۶۹). ثعالبی در این مورد می‌نویسد: او را هرمزد دلیر خوانده‌اند که مردی شجاع و زورمند بود، سم اسبان خود را به خون دشمنان رنگین می‌کرد و از سر آن سربوشها برای نیزه‌های خود فراهم می‌ساخت (ثعالبی ۱۳۶۸: ۳۱۶).

21. Shayegan, ibid.

۲۲. شاهنامه: ۶-۷-۲۰۱.

۲۳. یارشاطر ۱۳۷۷: ۱/۳، ۳۰۹.

دیگر می‌آورد: هرمزد فرزند شاپور در نیمهٔ عهد ساسانی فرمان داده بود که همهٔ روزهای ماه مهر ماه را جشن بگیرند. بدین ترتیب از آن پس ایرانیان به مدت سی روز عید را جشن می‌گرفتند و مانند نوروز هر پنج روز از آن ماه جشن به یک طبقه از طبقات گوناگون مردم اختصاص داشت و از جهت اهمیت با نوروز مساوی بود.^{۲۴} و در زمان هرمزد اول بود که اصلاح طلبان پارسی توانستند معیار قابل قبولی ایجاد کنند که مشکل وارده بر تقویم اصلاح شده در زمان اردشیر بابکان را رفع نمایند. همچنین آمده است که نوۀ اردشیر، یعنی هرمزد اردشیر تندیسهای پرستشگاه اهرمزد در پاکاران ارمنستان را خرد کرد و (احتمالاً به جای تندیس‌ها) آتشی مقدس نشاند.^{۲۵} و بنای شهر رامهرمزد را نیز به او نسبت می‌دهند. در رسالهٔ *شهرستانهای ایران* در این مورد نوشته شده است: «شهر هرمزد اردشیران و شهر رامهرمزد را دلیر هرمزد شاپوران ساخت».^{۲۶} *کارنامهٔ اردشیر بابکان* وظیفهٔ نظم و انضباط بخشیدن به کشور ایران و تمرکز دادن به نظام کشورداری و رفع ملوک الطوائفی را به این پادشاه ساسانی نسبت می‌دهد.^{۲۷} ذکر این کار خطیر در لیست اقدامات هرمزد اردشیر، اهمیت و نقش فعال این پادشاه را در کشور ساسانی و منابع آن عصر نمایان می‌سازد.

در مورد روابط هرمزد با کشورهای خارجی و جنگهای فرامرزی وی، ذکر مفصلی در منابع نمی‌یابیم و تنها به رویاروییهای وی با همسایگان شرق و غرب مختصر اشاراتی شده است. البته به دلیل کوتاهی مدت سلطنت هرمزد اول، نباید انتظار وجود جنگهای فراوان بین این پادشاه و ممالک همجوار و ثبت دقیق این نبردها را از سوی گزارشگران و مورخان کهن داشته باشیم.

ثعالبی می‌نویسد: «[هرمزد] با هیاطله که همان سغدیاندنند نبرد کرد و آنان را مقهور ساخت و بر ایشان خراج گذاشت و بر مرز آنان سنگی سترگ نهاد که از آن گذر نکنند».^{۲۸} در *کارنامهٔ اردشیر بابکان* نیز ذکری آمده است از چگونگی تولد هرمزد از دختر مهرک و شاپور که تصادفاً با دختر مهرک برخورد کرده و شیفتهٔ وی گشته و وی را به زنی اختیار کرده بود و نیز پرورش هرمزد به

۲۴. بیرونی ۱۳۷۷: ۳۳۷-۳۳۸.

۲۵. بویس ۱۳۸۱: ۱۳۷.

۲۶. به نقل از عریان (۱۳۷۸: ۶۸). طبری نیز می‌آورد: «ناحیهٔ رامهرمزد را هرمزد اردشیر بساخت» و نولدکه در توضیح آن می‌گوید: رامهرمزد در عربی رامهرمز و یا به طور کوتاه رامیز شده است و واقع در سوزیانا (خوزستان) تقریباً در زیر ۳۱ درجهٔ عرض شمالی است (نولدکه ۱۳۷۸: ۷۶). در تاریخ گردیزی آمده است: رامهرمزد و دسکره را هرمز بنا کرد (گردیزی ۱۳۶۲: ۶۹، همچنین نک: ثعالبی ۱۳۶۸: ۳۱۸).

۲۷. *کارنامهٔ اردشیر بابکان* ۱۳۶۹: ۲۱۴. در این رساله ذکر هرمزد چنین آمده است: «پس از آنکه هرمزد به پادشاهی رسید توانست که همهٔ کشور ایران را به یک خداوندی بیاورد، چنانکه هرمزد سرخدایان بخش بخش ایران را به فرمانبرداری خود اندر آورد».

۲۸. ثعالبی، همان: ۲۱۷. در تاریخ گردیزی نیز به برخورد هرمزد با هیاطلهٔ سغد و مقهور ساختن ایشان اشاره گردیده است (گردیزی، همان: ۷۰).

دست شبانان. داستانی که به جانشینی مسلم هرمزد اشاره دارد. در ادامه در مورد نبردهای خارجی هرمزد چنین می‌آورد: «وی از روم و هندیان ساو و باج خواست و ایران شهر را پیراسته تر و چابک تر و نامی تر کرد و قیصر شهریار رومیان و تاب (فرمانروای کابل) و شاه هندیان و خاقان ترک و دیگر سرخدایان نواحی به درود شیرین به درگاه آمدند».^{۲۹}

اگرچه آوردن نام هیاطله در این زمان درست نیست و احتمالاً صحرائشیان دیگری که به مناطق شرقی ایران نزدیک شده بودند مدّ نظر بوده، اما، با توجه به ستیزه‌ها و جنگاوریهای این پادشاه قبل از جلوس به تخت سلطنت، نبردهای خارجی در هنگام پادشاهی از وی بعید نیست. از همین روزگار است که عنوان شهنشاه ایران و انیران در روی سکه‌های شاه ساسانی نقش می‌گردد و قبل از آن تنها این عنوان را در کتیبه‌های شاپور اول می‌بینیم: «بغ مزدپرست، شاهنشاه ایران و انیران که چهر از ایزدان دارد».^{۳۰} شایگان این گونه استنباط می‌کند که آوردن عنوان انیران (aneran) در سکه‌های هرمزد بی‌تردید انعکاسی از گسترش قلمرو شاهنشاهی در این دوره است.^{۳۱} متأسفانه فقدان ذکر کاملی از این جنگها در منابع، بررسی بیشتر درباره‌ی این جنگها و مناطق و ممالک درگیر در جنگ با امپراتوری ساسانی در دوره‌ی هرمزد اول را امکانپذیر نمی‌سازد. تنها در رابطه با برخورد هرمزد با امپراتوری روم گفته شده است که پس از نابودی فرمانروایی زنوبیا در پالمیر امپراتور آتولیانوس با هرمز پیمان صلح بست — زنوبیا با شاپور پیمان دوستی بسته بود — به این ترتیب پیمان صلح امپراتور روم با هرمز، جانشین پیمان زنوبیا با شاپور شد.^{۳۲} علاوه بر آنچه در بالا درباره‌ی ویژگی سکه‌های هرمزد اردشیر آمد، دیگر ویژگی سکه‌های این پادشاه تصویر دو دستیاری است که از زمان حکومت شاپور اول معمولاً در دو سوی آتشکده‌ها بر روی سکه‌ها نقش می‌گردید، نقشی که دیگر در سکه‌های هرمزد دیده نمی‌شود.

هیچ کتیبه‌ای از هرمزد شناخته شده نیست، اما لوکونین نقشی از یک مجلس تاجگذاری که در پارس واقع است را متعلق به هرمزد یکم می‌داند. وی می‌گوید: «گمان می‌رود در پارس منظره‌ی تاجگذاری هرمزد اردشیر بر صخره نقر شده باشد ولی افسر شاهی و چهره‌ی شاهنشاه سخت آسیب دیده و مشکل بتوان یقین داشت که تصویر به طور قاطع از آن هرمزد اردشیر بوده است. در این نقش، اهورامزدا و شاهنشاه سوار بر اسب تصویر شده‌اند و ایزد حلقه‌ی شهریار را به سوی شاهنشاه دراز کرده است».^{۳۳}

۲۹. کارنامه‌ی اردشیر بابکان، همان: ۲۱۴، ۲۱۵.

۳۰. عریان ۱۳۸۲، بندهای ۱ و ۲ کتیبه‌های شاپور یکم در حاجی‌آباد، ص ۳۵-۳۶؛ کتیبه‌ی شاپور در تنگ براق،

ص ۴۶؛ کتیبه‌ی شاپور در کعبه‌ی زرتشت، ص ۴۹.

31. Shayegan, ibid.

۳۲. رجی، همان: ۱۱۸.

۳۳. لوکونین، همان: ۱۶۴.

هرمزد اول به گفته آگاثیاس پس از یک سال و ده روز سلطنت درگذشت^{۳۴} و کمی سکه‌های او نیز می‌رساند که مدت کوتاهی بر تخت بوده است و سال مرگ وی را باید ۱۳ سپتامبر ۲۷۳ میلادی محسوب داشت.^{۳۵}

رجبی به مرگ هرمزد اول با تردید می‌نگرد و بنا به حکایتی که از یک دست بودن این پادشاه در تاریخ بلعمی ذکر شده است، می‌آورد که: «آیا نخستین عزل در تاریخ ساسانیان حقیقتی دیگر نیست که در پشت افسانه پنهان شده است؟ برابر سنت ایران باستان شاه ایران می‌بایستی تنی سالم و بدون نقص می‌داشت. بعید نیست که پس از مرگ شاپور هنوز حدود یک سال سایه قدرت شاپور حضور داشته است، اما سرانجام بزرگان دربار رفتار مسالمت‌آمیز هرمزد در مقوله‌های دینی را بهانه کرده و پسر او بهرام را بر تخت نشانده باشند».^{۳۶} در پاسخ به این فرضیه باید متذکر گردیم که اولاً این محقق بنیان صحبت خود را بر پایه داستانی نهاده است که حتی در دیگر منابع از این حکایت ذکری نمی‌بینیم و هیچ اشاره‌ای به ناقص بودن هرمزد یکم در هیچ اثر تاریخی نرفته است؛ و ثانیاً دلیل این برکناری را علاوه بر ناقص بودن هرمزد، تسامح مذهبی وی — که احتمالاً با پذیرفتن مانی به دربار جلوه آشکارتری به خود می‌گیرد — ذکر می‌کند. شایان ذکر است که هنوز دستگاه دینی و روحانیت مزدیسنی در این دوره چنان قدرتی ندارد که به سبب مسائل دینی بتواند پادشاهی را برکنار و سرنگون سازد و آن‌گونه که در کتیبه کعبه زرتشت (بند ۴ و ۵) می‌بینیم کرتیر با ذکر خدمتی که در دوره هرمزد شاهنشاه انجام داده و عناوین و القابی که از هرمزد گرفته است، می‌گوید: «... و پس از آن شاهنشاه به گاه بغان شد».^{۳۷} بنابراین با نبود هیچ مدرک و گواهی از برکناری یا کشته شدن هرمزد باید سخن کرتیر را باور کنیم و مرگ وی را به پای سرنوشت مقدرشده از سوی ایزدان بنویسیم.

در سخن پایانی درخور ذکر است که، ساسانیان با اختیار نمودن نامهایی کاملاً زرتشتی و به‌ویژه نام خدای بزرگ زرتشتیان (اورمزد/هرمزد) برای فرزندان خویش، در نمایان ساختن تمایلات مذهبی‌شان اصرار ورزیده و و جالب توجه این‌که این امر از همان روزگار آغازین پایه‌گذاری سلسله ساسانیان آشکار گشته و این فرزندان نخستین شاهنشاهان ساسانی بودند که نام خدای

۳۴. Agathias: 37 تقریباً تمام منابع نیز بین یک سال و بیست و دو ماه سلطنت هرمزد اول اتفاق‌نظر دارند. نولدکه در این مورد می‌نویسد: «رقم یک سال و ده روز چنین می‌رساند که این رقم باید مدت سلطنت او {هرمزد} باشد (نولدکه، همان: ۴۳۶؛ همچنین نک: مسعودی ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۴۵)؛ تعالی نیز می‌نویسد: هرمزد در استخر درگذشت و مدت پادشاهی‌اش کمتر از دو سال بود (همان: ۲۱۷). دینوری به اشتباه پادشاهی هرمزد را ۳۰ سال ذکر می‌کند (دینوری ۱۳۶۴: ۱۷۵).

۳۵. نولدکه، همان: ۴۳۶.

۳۶. رجبی، همان: ۱۶۵.

۳۷. عریان ۱۳۸۲: ۱۸۷.

متعال «به‌دینان» را دارا شدند، به گونه‌ای که تا سال ۳۰۰ میلادی و در حالی که هنوز نزدیک به یک سده از قدرت‌گیری ساسانیان سپری نشده بود، سه تن از شاهزادگان ساسانی با نام «هرمزد/ اورمزد» شناخته شده‌اند: هرمزد اردشیر، هرمزد کوشانشاه و هرمزد فرزند نرسی. اهمیت این نامها برای ساسانیان به گونه‌ای است که گویا شاهنشاهان ساسانی این اسامی را برای آن فرزندان در نظر می‌گرفتند که در مورد آنها گمان به تخت‌نشینی و پادشاهی می‌رفت و همان‌گونه که شاهدیم، دو تن از این سه شاهزاده ساسانی که نام خدای بزرگ زرتشتیان را بر خود دارند — به غیر از هرمزد کوشانشاه که البته وی نیز مدعی سلطنت بود^{۳۸} — به مقام شاهنشاهی نائل آمده‌اند. این در حالی است که این روند — استفاده از نام خدای متعال زرتشتیان برای نامگذاری شاهزادگان — تا پایان سلطنت ساسانیان و تا هنگامی که دولت ساسانی به تدریج بر دین زرتشتی و مذهب و مرامی خاص که برگرفته از این دین بهی بود ادامه یافت و با پافشاری بر آن و جانبداری از آن خود را شناساند. حتی شاهنشاهی همچون انوشیروان که بر دوری از بدعت و زدودن دین بهی اصرار داشت و در رسمیت‌بخشی به دین زرتشتی به اقدامات چشمگیری دست زد، بر فرزند خود، که قرار بود روزی زمام امور را به دست گیرد، نام «هرمزد» نهاد.

منابع

- ابن‌اثیر، عزالدین، ۱۳۶۸، *تاریخ کامل*، جلد اول، ترجمه حسین روحانی، تهران: اساطیر.
- بلعمی، ابو علی محمد بن محمد، ۱۳۴۱، *تکلمه و ترجمه تاریخ طبری*، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، تهران: دانشگاه تهران.
- بویس، مری، ۱۳۸۱، *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.
- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۵۲، *آثارالباقیه*، تهران: ابن‌سینا.
- پیرنیا، حسن، ۱۳۸۰، *تاریخ ایران باستان*، جلد سوم، تهران: انتشارات افراسیاب.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد، ۱۳۷۳، *تاریخ ثعالبی*، جلد اول، تهران: نشر نقره.
- جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب — آسانا، ۱۳۷۱، *متون پهلوی*، گزارش سعید عریان (شهرستان‌های ایران)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- دریایی، تورج، ۱۳۸۳، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- دیakonف، ۱۳۸۳، *کتیبه‌های اشکانی نیسا*، ترجمه شهرام حیدرآبادیان، تهران: انتشارات کلام شبدا.

۳۸. توضیح آن که این شاهزاده ساسانی فرزند بهرام اول و برادر بهرام بهرامان (دوم) بود که از ایالتی در شرق ایران که در آنجا حکمرانی داشت، علیه زمامداری برادر خویش برخاست و برای دستیابی به سلطنت به سوی بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م.) لشکر کشید. برای اطلاع از این خیزش و ادعای کوشانشاه برای تخت سلطنت، نک: مارکوارت ۱۳۷۳: ۵۹؛ فرای ۱۳۷۷: ۴۸۷؛ کریستن‌سن، همان: ۲۵۵؛ ۶۶۰: Shahbazi, Sh., "Hormozd Kushanshah".

- دینوری، ابوحنیفه، ۱۳۶۲، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- رجبی، پرویز، ۱۳۸۲، *هزاره‌های گمشده*، جلد پنجم، تهران: نشر توس.
- سرکاراتی، بهمن، ۱۳۷۸، *سایه‌های شکارشده*، تهران: نشر قطره.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۵۲، *تاریخ طبری*، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
- الطبری، لابی جعفر محمد بن جریر، بی‌تا، *تاریخ الطبری*، الجزء الثاني، مطبع بیروت، بی‌جا.
- عریان، سعید، ۱۳۷۸، *کتیبه‌های پهلوی میانه (ترجمه، آوانوشت)*، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- _____، ۱۳۸۲، *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی - پارتی)*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرای، ریچارد، ۱۳۷۷، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۷۳، *شاهنامه*، جلد هفتم، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر نقره.
- کارنامه اردشیر بابکان*، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: چاپخانه آشنا، ۱۳۶۹.
- کریستن‌سن، آرتور، ۱۳۷۷، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی، ۱۳۶۲، *تاریخ گردیزی*، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: چاپخانه ارمغان.
- لوکونین، ولادیمیر، ۱۳۷۲، *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف، ۱۳۷۳، *ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه میر احمدی، تهران: اطلاعات.
- مجله التواریخ والقصص*، ۱۳۷۸ شمسی (تألیف نواده مهلب بن محمد شادی)، بی‌جا.
- مسعودی، ابوالحسن بن علی بن حسین، ۱۳۷۴، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمد جواد، ۱۳۶۷، *تاریخ سیاسی اجتماعی اشکانیان، پارتیان یا پهلویان قدیم*، تهران: دنیای کتاب.
- _____، ۱۳۵۷/۲۵۳۷، *ایران در عهد باستان*، تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
- مکنزی، د. ن.، ۱۳۷۳، *فرهنگ کوچک پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرائی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- نولدکه، تئودور، ۱۳۷۸، *تاریخ ایرانیان و عربها*، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ویسهوفر، ۱۳۷۷، *ایران باستان*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- یارشاطر، احسان، ۱۳۷۷، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

Agathias, *The itinerary of Benjamin of Tudela "Agathias and the Persian"*, Published by Philipp Feldheim, New York, 2005.

Boyce, M., "Ahura Mazda", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. I.

Daryaei, T., "Memory and History: The Construction of the Past in Late Antique Persia", *Nāme-ye Irān-e Bāstān*, Vol. I, No. 2 (2001-2002).

Kuiper, B.J., "Ahura", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. I.

Shahbazi, Sh., "Hormozd Kushanshah", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. XI.

Shayegan, Rahim, "Hormozd I", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. XL.